

بررسی و شناخت آثار مخرب و منفی رشوه با مداقه در راه های پیشگیری از ارتکاب رشوه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۱۲)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا عسگری^۱

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

سید مصطفی حسینی

دانشجوی مقطع دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

چکیده

کارمندی که در مقابل انجام یا عدم انجام کاری برای ارباب رجوع مالی را از وی قبول می کند یا ملک او را به بهایی بسیار کمتر از قیمت واقعی آن می خرد مرتشی و طرف مقابل راشی محسوب می شود. و رشا و ارتشا از جرایم مطلق به شمار می روند و تحقق آن ها منوط به تحقق نتیجه خاصی نیست و از جرایم عمومی است و نیاز به شاکی خصوصی ندارد. از نظر شرعی باید توجه داشت رشوه دهنده، و رشوه گیرنده، با میانجیگر میان این دو مورد لعنت و غضب الهی قرار میگیرند. لعنت یعنی دوری از رحمت الله سبحانه و تعالی و محروم شدن از حفظ و امان الهی. کسی که در امر رشوه دلالی می کند گناهکار است؛ زیرا بر گناه و تعدی از دستورات الله تعالی همکاری می کند. فساد و بی بند و باری اداری، در قالب رشوه خواری، از جمله آسیب های اجتماعی و اداری است که در توسعه کشورها، آثار و پیامدهای منفی فراوانی را بر جای می نهد و هزینه های هنگفتی را در حوزه های سیاست، اقتصاد و فرهنگ، بر جای می گذارد. اگر از رشوه خواری و فساد اداری جلوگیری نشود، در اندک زمانی، تسری پیدا کرده فراگیر خواهد شد. به همین دلیل در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت آثار مخرب و منفی رشوه با مداقه در راه های پیشگیری از ارتکاب رشوه بپردازیم.

واژگان کلیدی: رشوه، کارمند دولت، راشی، رشوه گیرنده، ارتشا، رشوه خواری

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: کلیات رشوه در فقه و حقوق ایران

یکی از اعمال محرمه ای که امر معاش از طریق آن و اکتساب به آن حرام است، و آن رشوه است. علمای لغت در بیان معنای اصطلاحی رشوه، نظریات متفاوتی ابراز داشته اند که به تبع آن، منشأ اختلاف آراء در بین فقها گردیده است زیرا فقها در تعریف این الفاظ به نظریات اهل لغت استناد می کنند که هر یک از آنها تعریف خاصی برای رشوه بیان می کنند. چرا که در معنای اصطلاحی است که محدوده دلالت لفظ مشخص می شود. مثلاً آیا رشوه تنها شامل اموال می شود یا غیر آن نیز صدق می کند؟ و آیا رشوه تنها شامل حکم و قضاوت است و یا بر غیر حکم نیز دلالت دارد؟ که پاسخ به این سؤال و سؤالات دیگر در همین تعاریف مشخص می شود. رشوه در ابعاد خود حالت‌های بسیار را کسب کرده است از جمله اینکه رشوه تنها منحصر به پرداخت مبلغ معینی پول نیست بلکه گاه یک خدمت معین یا یک موضوع معین، که رشوه دهنده یا رشوه گیرنده بر سر آن به توافق رسیده اند، نیز حکم رشوه را پیدا می کنند. در مجمع البحرین آمده است: «وَالرَّشْوَةُ بِالْكَسْرِ: مَا يُعْطِيهِ الشَّخْصُ الْحَاكِمَ وَغَيْرِهِ لِحُكْمٍ لَهُ أَوْ يَحْمِلُهُ عَلَى مَا يَرِيدُ» والجمع «رشا» وأصلها من الرشاء الحبل الذي يتوصل به إلى الماء، وجمعه أرشيّه وقيل: من «رشا الفرخ» إذا مد عنقه إلى أمه لتزقه. و الرشوة قل ما تستعمل إلا فيما يتوصل به إلى إبطال حق أو تمشيّه باطل. در تفسیر مجمع البحرین رشوه را فقط با کسر راء بیان کرده و ضم و فتح را بیان نکرده که به نظر ایشان رشوه فقط با کسر راء صحیح می باشد. چیزی که شخص آن را به حاکم یا دیگری می دهد تا به نفع او حکم کند یا او را بر آنچه می خواهد وادار سازد، رشوه گویند. و جمع آن رشا و اصل کلمه رشا، طنابی است که به وسیله آن به آب می رسند و در ادامه می فرمایند: کلمه رشوه از «رشا الفرخ» گرفته شده است، یعنی هنگامیکه جوجه، گردنش را به سوی مادرش دراز می کند تا دانه در دهانش قرار دهد. و رشوه به کار برده نمی شود مگر در جایی که بوسیله آن حقی را باطل و یا باطلی را حق جلوه دهد. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۸۴). فیروزآبادی در "قاموس" (بی تا، ص ۱۴۹) رشوه را جعل دانسته و محقق ثانی (محقق کرکی) گرفتن حق الجعالة از متخاصمین را رشوه می نامند. (نجفی، بی تا، ج ۲۲، ص ۱۴۶). «و فی شرح الأستاذ انها لیست مطلق الجعل كما فی القاموس بل بینه و بین الأجر والجعل عموم من وجه ولا البذل علی خصوص الباطل كما فی النهایة و المجمع، ولا مطلق البذل و لو علی خصوص الحق، بل هو البذل علی الباطل أو علی الحكم له حقا أو

باطلا مع التسمیة و بدونها». مرحوم شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهرالکلام از بعضی از فقها که شرحی بر قواعد علامه نموده اینگونه نقل می نماید که: رشوه مطلق جعل نیست، که فیروزآبادی معتقد بود، بلکه بین رشوه و جعل، عموم من وجه است و نیز رشوه بذل مال برای خصوص باطل نیست چنانچه در نهایة ابن اثیر آمده است. و نیز بذل مطلق مال برای باطل نمی باشد که در مجمع البحرین طریحی ذکر نمود. بلکه حقیقت رشوه عبارت از بذل مال برای حکم است خواه حکم به حق باشد و یا آنکه به باطل و خواه باذل تصریح کند که این مال را برای حکم می دهم یا مسکوت بگذرد.

«هی ما یعطی للحکم حقاً و باطلاً» در نظر بیشتر علمای شیعه رشوه مالی است که برای حکم عطا می شود و فرقی نمی کند که حکم به حق باشد، یا باطل. کلمه "للحکم" می رساند که رشوه تنها شامل مورد حکم قاضی است و برای غیر آن جریان ندارد. (نجفی، بی تا، ج ۲۲، ص ۱۴۶). به طور کلی رشوه ای که برای حکم و قضاوت است که به خاطر آن حکم داده می شود گرفتن آن برای قاضی مطلقاً حرام است چه به حق حکم کند و چه به باطل. اما حکم بر رشوه دهنده دو صورت دارد؛ یا برای رسیدن به حکم باطل رشوه می دهد که در این صورت موجب ابطال حق دیگران می گردد و حرام است. اما اگر رشوه دهنده برای رسیدن به حق خود اقدام به پرداخت رشوه کند، دو صورت دارد، یا به دست آوردن حق، متوقف بر پرداخت رشوه است و راه دیگری جز آن برای به دست آوردن حق وجود ندارد که در این صورت به اتفاق علمای اسلام، پرداخت آن جایز به رشوه دهنده است گر چه بر مرتشی حرام است، ولی اگر تحصیل حق، متوقف بر اعطای رشوه نباشد و راه دیگری جز آن برای به دست آوردن حق وجود داشته باشد، چند قول است؛ بعضی قائل به جواز اعطای رشوه هستند ولی بعضی از علما این قسم را حرام می دانند. (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۸۰). در القاموس الفقهی آمده است: ما یعطی لقضاء مصلحة ج رشا و رشا - هی ما یعطی لإبطال حق، أو لإحقاق باطل. (ابوحیب، بی تا، ص ۱۴۹). شهید ثانی در مسالک الافهام در تعریف رشوه می گوید: «الرشوة حرام علی آخذها. و یأثم الدافع لها إن توصل بها إلی الحکم له بالباطل. و لو کان إلی الحق لم یأثم. رشوه بر گیرنده آن حرام است و دهنده رشوه اگر به وسیله آن به حکم باطل دست پیدا کند گناهکار می باشد، ولی اگر به وسیله آن به حقش برسد گناه نکرده است بر اساس این تعریف رشوه فقط شامل حکم است و به غیر مورد حکم صدق نمی کند هر چند که وی در جای دیگر رشوه را تعمیم داده و علاوه



مورد قضاوت، عامل مسلمین - کارمندان دولت - را نیز افزوده است. (شهیدثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱۳، ص ۴۱۹). اما رشوه در غیر حکم و قضا: مثلاً شخصی می خواهد فلان تجارت را انجام دهد، فلان کارخانه را دائر کند، فلان وسیله را بسازد و... و از نظر دولت غیرقانونی است یا مورد شبهه است، یا می خواهد منزلی بسازد و با شهرداری طرف است، یا فلان مسافرت را می خواهد برود و... و تا رشوه ندهد کار او درست نمی شود لذا به وسائط و دلالها مبلغی می دهد و آنها با پارتی بازی و غیره کار او را راه می اندازند، اینجا اخذ و اعطاء رشوه چه حکمی دارد؟ در اینجا یک بحث این است که: آیا این هم رشوه است یا خیر؟ شیخ انصاری می فرماید: از اطلاق برخی کلمات اهل لغت، همچنین بعضی تعبیرات روایات استفاده می شود که این هم رشوه است به عنوان مثال الرشوة الوصلة الى الحاجة بالصناعة، حال حاجت او به حکم و قضاوت باشد، یا به امری از امور دیگر باشد. (انصاری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۹). در مقابل تعاریف مزبور برخی از فقها رشوه را تعمیم داده و صراحتاً آن را شامل غیر مورد قضاوت نیز دانسته اند. از جمله شیخ طوسی در مبسوط می گوید: «و القاضی بین المسلمین و العامل علیهم یحرم علی کل واحد منهم الرشوة» با توجه به تعاریف مزبور رشوه منحصر به مورد حکم و قضاوت نیست بلکه علاوه بر آن عامل مسلمین نیز بر آن افزوده شده است. (مبسوط، ۱۳۸۷ ه.ق، ج ۸، ص ۱۵۱). "عامل" به کسی گفته می شود که مسوولیت امور مردم را در مال و ملک و کارشان به عهده می گیرد و از این جهت به کسی که مسوول امر زکات است "عامل" گفته می شود. (ابن اثیر، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۰). در تکملة العروة الوثقی آمده است: «لا تختص الرشوة بما يبذل للقاضي ليحكم له، بل تجرى في غير الحكم أيضا» "رشوه اختصاص به آنچه که به قاضی داده می شود ندارد بلکه در غیر مورد قضاوت نیز جریان دارد و این نوع رشوه حرام است". (یزدی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴).

فقهایی عظام با توجه به صراحت آیات قرآن و احادیث و اخبار، عقیده بر حرمت رشوه داده اند. مضاف بر اینکه، بنا بر حکم عقل نیز رشوه خواری به جهت مضار فراوان فردی و اجتماعی آن امری مردود و ناپسند است. در قرآن از رشوه خواران به "اکالون للسحت" تعبیر شده (مائده/۴۲) و مفسرین بزرگوار، رشوه را از مصادیق "اکل مال غیر به باطل" دانسته و حکم به رشوه معنای نزدیکی به معنای لغوی آن دارد. ارشاء را از نظر حقوق کیفری می توان به پذیرش مستقیم یا مع الواسطه مال توسط کارمند و یا مأمور دولت به منظور انجام کاری مرتبط با وظیفه تعریف نمود. مصداقی از رشوه که مورد بحث ما می باشد را نیز می



توان به انجام معاملات غبنیه (ضرری) در مقام رشوه تعریف نمود. در ما نحن فیه، مالی اعم از منقول و یا غیرمنقول عیناً و یا منفعتاً تملک می گردد و در اثر این معامله مبلغی از دارایی راشی کسر و به دارایی مرتشی افزوده می شود. قانونگذار، از آن به معامله به اکثر یا اقل از عوض المثل تعبیر نموده است. کارگزار رشوه خوار صرف نظر از این که موجبات تضییع حقوق عامه را فراهم می آورد و نظم امور جاری را از مجرای قانونی خارج ساخته و مختل می نماید به علاوه، باعث ایجاد جو عدم اعتماد و بدبینی نسبت به دولت می گردد. (جزایری فارسیانی، ۱۳۸۱، ش ۳۴). لنگرودی در کتاب (المبسوط) ترمینولوژی حقوق در تعریف رشوه می گوید رشوه دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیررسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضائی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد. خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخص دیگر آن را بگیرد، فرق نمی کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته را داشته باشد یا خیر و فرق نمی کند که برای رایش (دهنده مال) باید انجام شود حق او باشد (بر طبق قانون و مقررات باشد) یا نه؟ شرط تحقق رشوه تبانی و توافق گیرنده و دهنده بر دادن و گرفتن رشوه است (لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵۲).

بخش دوم: بررسی و شناخت آثار اجتماعی رشوه در جامعه

اسلام دین همه جانبه ای است که به همه امور مردم و شئون اجتماعی آنها، توجه دارد و نه تنها برای امور فردی انسان ها بلکه مهم تر از آن برای رشد و تقویت بنیادهای انسانی در اجتماع اهمیت ویژه ای قائل است و در بینش اسلام، همیشه مصلحت جامعه بر مصلحت فرد ترجیح دارد که روش انبیا و اولیای الهی نیز بر این اصل استوار بوده است و هر جا تعارض بین این دو بوجود آید، بدون درنگ مصالح اجتماعی را مقدم می داشتند نمونه بارز آن قیام امام حسین (ع) در روز غاشورا بود که امام مصلحت جامعه را بر مصلحت فردی ترجیح داد و برای احیای حکومت حق و عدل از جان خود و اطرافیانش گذشت و خداوند نیز در قرآن در آیه ۲۵ سوره حدید فرموده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنْزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» و رشوه نیز یکی از مهم ترین موانع ایجاد عدالت اجتماعی است که می تواند منشأ مفاسد بسیاری باشد. دریکنده در کتاب رشوه و احکام آن در فقه اسلامی در مورد بعد اجتماعی رشوه می فرماید: به اعتباری می توان گناهان را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول گناهانی که ناظر به جنبه فردی انسانها بوده و ضرر و زیان آنها



به فرد برمی گردد؛ مثل شرب خمر که اگر در خفا انجام پذیرد، برای خورنده آن مضر بوده و چندان ارتباطی به جامعه ندارد. اما دسته دیگر گناہانی هستند که از جنبه فردی فراتر رفته و آثار نامطوب آن به طور مستقیم متوجه جامعه می شود که علاوه بر ضرر و زیان فردی، که در هر گناهی وجود دارد، برای جامعه نیز خطرآفرین است مثلاً گناہ سرقت، در صورتی متصور است که فرد یا افراد دیگری غیر از سارق وجود داشته باشد که از اموال آنها سرقت انجام پذیرد. اگر جامعه ای با قوانین اجتماعی وجود نداشته باشد، رشوه تحقق نمی یابد. از لحاظ جنبه اجتماعی رشوه بسیار بحث شده است. در کل باید گفت که ضعف شخصیتی و درست اجتماعی نشدن عامل مؤثری در شکل گیری شخصیت افراد رشوه دهنده و رشوه گیر دارد که این امر باید به وسیله آموزش و روش صحیح تعامل با دیگران شناسایی حقوق فردی و منزلت اجتماعی خویش صورت پذیرد، در مقوله آموزش یک ارگان بسیار سازنده وجود دارد که همانا رسانه ملی است که باید با تولید و پخش برنامه های هدفمند و منطقی فرهنگ مذموم شماردن رشوه را در جامعه توسعه بخشد. (دیبوند، ۱۳۸۶، ص ۳) فشارهای اقتصادی در جامعه عامل اصلی رشوه محسوب می شود که این امر شاید بیشترین عامل در کاهش رشوه مؤثر باشد. چگونه می توان از کارمندی که حتی برای کرایه تاکسی رفتن به محل کارش هم دچار تشویش و نگرانی است توقع داشت که دست به دریافت های غیرقانونی از دیگران نزند. از این رو شاید بتوان گفت که یکی از بهترین راهکارهای اقتصادی حل بحران رشوه از منظر اقتصادی علاوه بر کاهش تورم در جامعه اجرای صحیح نظام هماهنگ پرداخت کارکنان است که عامل مؤثری در رفع تبعیضات و کاهش دریافت رشوه از سوی کارمندان است.

بند اول: رشوه پدیده شوم اجتماعی

لفظ " رشوه " و مفهوم آن از الفاظ و مفاهیم متداولی است که مظاهر نکبت بار آن در بسیاری از جوامع و از جمله جوامع اسلامی، مشاهده می گردد. ی شاید کمتر کسی است که لفظ " رشوه " را نشنیده و یا تا به حال با واقعیت آن در خارج ولو به عنوان " حق حساب و هدیه " روبرو نشده باشد. به شهادت تاریخ، ارتکاب این خیانت با تمام مراحل و صورتهای گوناگونی که پیدا کرده، با همه رنگهای متفاوتی که در بستر زمان به خود گرفته، چه جنایاتی را که به بار نیاورده است ؟ چه در آن روزگار که جزو کارهای ننگین و بی اندازه پست به حساب می آمد و تنها عده محدودی در پنهان و به طور قاچاق به آن آلوده می

شدند و اگر روزی پرده از راز آنها برداشته می شد به سختی مجازات شده و دیگر نمی توانستند با بدنامی در میان تنفر شدید مردم به زندگی آبرومندانه ادامه دهند و چه در روزگار ما که جزو سری کارهای عادی و فوق العاده معمولی و عادی درآمد و از این بالاتر در نظر بعضی از نشانه های بارز مردمان لایق و با عرضه به حساب می آید! و در اندک زمانی از این را صاحب «علاف والوف» شده و خود و فرزندانشان تا آخر عمر با کمال رفاه و آبرومندی " البته در این دنیا " کامل زندگی می کنند " رشوه " نگیرها متهم به بی عرضه گی و عدم لیاقت گشته و چه بسا مورد ملامت و سرزنش دوستان خود قرار می گیرند... (صداقت، ۱۳۹۰، ص ۲).

بند دوم: رشوه از منظر اقتصادی

در مباحث اقتصادی همواره پای پول در میان است عاملی مؤثر در شکل گیری فعالتهای اجتماعی است؛ بی شک شاید بتوان گفت که از هر دری که پول و مسائل اقتصادی وارد می شود از در دیگر رشوه و رشوه خواری وارد می شود ملازمت و همراهی این دو آنچنان است که تصور این مسئله که در جایی که فعالیت اقتصادی صورت گیرد و خبری از رشوه نباشد غیرممکن است. در شرائط کنونی جامعه ما و با توجه به معضلات اقتصادی و نابسامانی در گردش های مالی جامعه مسئله رشوه نیز گسترش یافته و در واقع افراد برای به دست آوردن موقعیت های مالی حاضر به به گرفتن رشوه می شوند. و عوامل زیادی هستند که مسبب گسترش رشوه خواری و پدیده مشابه آن در جامعه می شوند از جمله این عوامل دخالت دولت در اقتصاد و عامل دیگر و از میان رفتن منزلت اجتماعی مشاغل دولتی، کاهش مزد و حقوق واقعی کارکنان دولت و... باعث می شود که آنها هم آلوده به رشوه خواری بشوند. اگر رشوه خواری گسترش یابد و رشوه خواران جان سالم از قانون به در ببرند و نظارت بر آنان نباشد، خود این عامل موجب تشویق دیگران به رشوه خواری خواهد شد. گسترش چشمگیر رشوه خواری در سالهای اخیر ممکن است یک زنگ خطر باشد. چنان که هر تحقیق بین المللی که در مورد فساد اقتصادی و رشوه خواری انجام می شود، اغلب نام ایران را در خود دارد. بر اساس تحقیقی که از سوی بانک جهانی و سازمان ملل انجام شد، ایران جزو ۲۴ کشور فسادپذیر جهان است. (خضری، ۱۳۸۴، ش ۲۹، ص ۵۱۴). در چنین وضعیتی مبارزه با رشوه خواری نیز پیچیده و مبتنی بر شناخت عوامل گسترش دهنده و راههای کاستن از آثار آن بر روابط پاک اجتماعی و اقتصادی است. از مطالب فوق



به این نتیجه رسیدیم که اقتصاد و رشوه رابطه متقابل دارند یعنی هم رشوه بر اقتصاد اثر می گذارد و هم اقتصاد و شرایط مالی بر رشوه از این رو مبارزه با رشوه خواری مستلزم برنامه ریزی هم زمان در هر دو عرصه است.

بخش سوم: نگاهی به آثار رشوه در اقتصاد جامعه

از فساد تعاریف مختلفی ارائه شده است، فساد را می توان در عمومی ترین حالت آن نادیده گرفتن قوانین و مقررات اداری جامعه دانست لذا به معنی نقض و شکستن قانون است و هر گونه قانون شکنی نیز جرم و مستحق مجازات و برخورد است. و فساد اقتصادی عبارت است از کلیه رفتارها و سوء رفتارهایی که سبب اختلال در نظم اقتصادی یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در هر سطح آن می شود. و در هر فساد اقتصادی ما شاهد یک ارتباط متقابل هستیم. خریدار و فروشنده و یا عرضه و تقاضا، آنچه در این ارتباط تبادل می شود، فساد است و آنچه متقاضی لازم دارد باز هم چیزی جزء فساد نیست. (محمودی، بی تا، ص ۷) در جامعه امروزی فساد اقتصادی بزرگترین مانع در راه رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است زیرا قانونمندی ها را مختل می کند و زیر بناهای رشد اقتصادی را تضعیف می نماید و اثر زیانبار فساد اقتصادی، بیش از همه به قشر ضعیف و فقیر جامعه لطمه وارد می کند زیرا این افشار بیشتر به منابع دولتی تکیه دارند و توانایی جبران هزینه های ناشی از رشوه خواری، کلاهبرداری و توزیع ناعادلانه امتیازات اقتصادی را ندارند. بنابراین دولت می بایست از هر گونه اقدامی که فساد اقتصادی را تشدید می کند به شدت برخورد نماید تا زمینه رشد اقتصادی و اجتماعی کشور فراهم شود. عباس حاتمی در مقاله ای تحت عنوان اثرات فساد اقتصادی بر جامعه ایران می نویسد روش های زیر می توانند فساد اقتصادی را به شرط اجرای دقیق آن توسط دولت (قواه سه گانه) در کشور ریشه کن نماید:

- ۱- افزایش مسوولیت سیاسی دولت (حاکمیت) و پاسخگو بودن تمامی نهادهای حکومتی.
- ۲- تقویت جنبه های مشارکتی جوامع شهری و حذف انحصارات سیاسی که باعث تقویت رانت های اقتصادی می شود.
- ۳- ایجاد بخش خصوصی توانمند و قابل رقابت از طریق حذف انحصارات دولتی و شفاف سازی قوانین اقتصادی به ویژه مناقصات و مزایده های دولتی.
- ۴- ایجاد موانع نهادینه بر سر راه قدرت مثل حسابرسی مدیران، تقویت فرهنگ نقد حاکمیت و آزادی بیان.



۵- بهبود و توسعه مدیریت دولتی از طریق انتخاب مدیران شایسته براساس معیارهای استاندارد، اگر مدیران دولتی نوانمند و مسوولیت پذیر باشند فساد اقتصادی ریشه کن می شود.

۶- عدم برخورد سیاسی با پدیده فساد اقتصادی و حفظ استقلال دستگاههای قضایی.

۷- اعلام عمومی دارایی ها و حقوق و دستمزد تمامی مدیران دولتی، به طوری که مطبوعات آزادانه به حقوق مدیران دسترسی داشته باشند. (حاتمی، ۱۳۸۴، ص ۱).

و به طور کلی اگر بخواهیم فساد در کشور ریشه کن شود بایستی این ریشه کنی از بالا به پایین شروع شود، یعنی از مدیران عالی دولتی شروع شود و هیچکس در برابر مسوولیت خویش بی پاسخ نباشد و بعداً به مدیران رده پایین و کارکنان ادارات نیز سرایت نماید.

بند اول: زیان ها و مفاسد رشوه

رشوه یک پدیده شوم اجتماعی است و از مصادیق بارز فحشا و فساد محسوب می گردد. اضافه بر مفاسد فردی بزرگترین مانع اجرای عدالت اجتماعی و قانون به حساب می آید و رواج این عمل ناصواب موجب می گردد که قانون به سود اغنیا و اقویا اجرا گردد و حقوق ضعیفان پایمال شود، زیرا مستمندان و طبقه متوسط قدرت پرداخت رشوه را ندارند و در نتیجه قوانین بازیچه تازه ای در دست اغنیا و اقویا برای ادامه ظلم و ستم و تجاوز به حقوق آنان (مستمندان و ضعیفان) خواهد شد. بدین سبب در هر جامعه ای رشوه نفوذ کند شیرازه زندگی جامعه از هم پاشیده می شود و تبعیض و بی عدالتی رواج می یابد، جالب آن که وقاحت رشوه یک امر فطری و عقلی است، به همین دلیل رشوه گیران تحت عناوین "حق و حساب" حق الزحمه و "هدیه"، "انعام" این عمل را توجیه می کنند و مشروع جلوه می دهند ولی روشن است این تغییر نامها به هیچ وجه تغییری در ماهیت آن نمی دهد و در هر صورتی پولی که از این طریق گرفته می شود حرام و نامشروع است. (صداقت، ۱۳۹۰، ص ۲). در نهج البلاغه، داستان هدیه "اشعث بن قیس" بازگو شده است که برای پیروزی بر رقیب در محکمه امام علی (ع) به رشوه متوسل شد. شبانه ظرفی پر از حلوی لذیذ به رسم پیشکش به خانه علی (ع) آورد حضرت سخت برآشفتمود: سوگواران بر تو اشک بریزند (گریه کنند)، آیا با این عنوان آمده ای که مرا فریب دهی و خدعه کنی؟ به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آن چه در زیر آسمانهاست به من بدهند که پوست جوی از دهان مورچه ای به ظلم بگیرم، هرگز نخواهم کرد. دنیای شما از برگ جویده ای در دهان ملخ برای من کم



ارزش تر است. علی (ع) را با نعمتهای فانی و لذتهای زودگذر چه کار؟..." (دشتی، ۱۳۸۶، خطبه ۲۲۴، ص ۳۲۹).

بند دوم: راه های جلوگیری از رشوه

راههایی برای جلوگیری از رشوه وجود دارد که می تواند به طرق زیر امکان پذیر باشد:

۱- تلاش برای تحقق یافتن تعادل اقتصادی و توزیع عادلانه در جامعه.

اگر مسؤولان حکومت اسلامی بکوشند تا حق هر صاحب حق بدون هیچ حیف و میل و یا تبعیض، چنان که در دوران خلفای راشدین و نیز برخی از مقاطع تاریخ اسلام شاهد آن بوده ایم، به دست وی برسد اندیشه گرفتن رشوه در جامعه ریشه کن می شود. زیرا یکی از اسباب گسترش رشوه آن است که فرد احساس می کند که از نظر مالی در قیاس با سایر افراد در موقعیت خوبی برخوردار نیست و یا از حق خود محروم شده است. بنابراین اگر مسؤول حکومت اسلامی هم و غم خود را در جهت توزیع عادلانه به کار گیرد تعادل اقتصادی در جامعه ایجاد خواهد شد و هر کس به حق خود خواهد رسید. (عبدالرحمان، بی تا، ص ۴۳).

۲- بی نیاز کردن افراد

مقصود از بی نیاز کردن افراد آن است که وقتی به کسی مسئولیت مهمی سپرده می شود، برای وی حقوق مکفی در نظر بگیرند تا او دیده از مال و ثروت دیگران فرو بندد. ابوعبیده جراح یکی از اصحاب رسول خدا (ص) روزی به عمر بن خطاب گفت: تو یاران رسول خدا (ص) را با گماردن به این مشاغل خراب کردی. عمر به وی پاسخ داد: من از آنها می خواهم که مرا در وظیفه ام یاری کنند. ابوعبید گفت: حال که چنین است آنها را بی نیاز کن! (عبدالرحمان، بی تا، ص ۴۵).

بنابراین سرمدمداران حکومت اسلامی باید از این شیوه پیروی کنند و به عوامل خود که آنها را بر مردم می گمارند عطایا و حقوق کافی اختصاص دهند تا فرد به خاطر فقر و نیاز خویش مجبور به گرفتن رشوه از مردم نشود و همواره در حال خدمت به مسلمانان باشد.

۳- دادن آگاهی کامل به مردم و تلاش و توجه دستگاههای خبری و تبلیغاتی در این راستا: بی گمان روشن کردن مردم و آگاهی دادن به آنها در مورد زیانهای رشوه و نشان دادن نمونه هایی از ایجاد نابسامانی های رشوه در امور کشور و جامعه، از طریق دستگاههای ارتباط جمعی یا دادن آموزشهایی در مدارس و مساجد و... بدین منظور می تواند در این



راستا مؤثر باشد و چهره واقعی رشوه را به مردم نشان دهد. با این اقدامات مردم می فهمند که رشوه چه زیانهای در بر دارد و چگونه جامعه را به ویرانی می کشد و به ارزشها و اخلاق اسلامی آسیب می زند و بازتابهای منفی رشوه و دشواریها و معضلات حاصل از آن را که بسیاری از جوامع از آنها در رنج و عذابند، بیشتر باز می کند.

۴- زمامداران باید کارمندان خود را از میان کسانی که دارای شرایط مطلوب هستند؛ انتخاب کنند. این یک اقدام پیشگیرنده و صحیح است. حُسن انتخاب فردی شایسته و یا کارمند متدین که همواره خدا را در نظر دارد، می تواند بهترین عامل برای جلوگیری از بنای رشوه باشد. که مهم ترین ویژگیهای کارگزاران دولتی عبارتند از: امانت، راستی، پاکدامنی. کوشش دولت باید بر آن باشد تا افراد مناسب را در جایگاههای مناسب به کار گمارد و این خود یکی از عوامل مهمی است که در ریشه کن کردن رشوه مؤثر است و باید همواره به یاد داشته باشد که اگر دستگاه دولت پاک و صالح شود، مردم هم پاک و صالح خواهند شد (عبدالرحمان، بی تا، ص ۴۳). خداوند در داستان یوسف (ع) از زبان آن حضرت نقل می کند که خطاب به فرمانروای مصر گفت: « قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم». یوسف گفت: مرا بر گنجینه های زمین بگمار که من امین و آگاهم. (یوسف/ ۵۵) در این بیان چنانچه می بینیم یوسف برای خود دو صفت ذکر می کند: اول: حفاظت و امانت و دوم: داشتن علم و اطلاع در مسائل مالی. (حمد عبدالرحمان، بی تا، ص ۴۸).

بخش چهارم: تحلیل فقهی ادله حرمت رشوه

حرمت رشوه از جمله مواردی است که هم در قرآن کریم و هم در احادیث و روایات و نیز در منابع فقهی گوناگون و نیز در مبانی عقلی از آن یاد شده است. شیخ اعظم انصاری رحمه الله در مکاسب می فرماید: الرشوة حرام و فی جامع المقاصد و المسالک آن علی تحریمها اجماع المسلمین و یدلّ علیه الکتاب و السنّه. همان طور که از عبارت شیخ به دست می آید، از سه دلیل کتاب، سنت و اجماع برای حرمت رشوه استفاده شده است که البته نامی از دلیل عقل برده نشده و صاحب جواهر نیز به این سه دلیل اشاره فرموده است. شاید علت اینکه نامی از عقل برای اثبات حرمت رشوه برده نشده، روایات وارده از معصومین علیهم السلام است؛ زیرا در قرآن کریم واژه رشوه و حتی از ماده "ر ش و" هیچ کلمه ای وجود ندارد؛ اما بعضی از مفسران کلمه "سُحْت" را در آیه ۴۲ سوره مائده و "إدلاء" را در آیه



۱۸۸ سوره بقره دال بر رشوه و حرمت آن دانسته اند. اما در مورد اجماع که بعضی از علما آن را ادعاء کرده اند باید گفت: با توجه به دلیل و نصّ که بر حرمت رشوه دلالت دارند دیگر اجماع جایگاه خاصی نخواهد داشت؛ زیرا اجماع در مرتبه متأخر از قرآن و سنت قرار دارد و در صورت نبودن دلیلی از کتاب و سنت نوبت به اجماع می رسد و درباره عقل نیز با وجود فقدان دلیلی در مورد اجماع نوبت به عقل می رسد و عقل در مرتبه متأخر قرار دارد. (مظفر، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۸۳). اینک هر یک از دلایل اربعه را به طور جداگانه بر اساس اهمیت و اعتبار هر کدام نسبت به دیگری قرار می دهیم.

بند اول: قرآن

و اما از نظر کتاب: آیاتی دال بر تحریم رشوه است که از جمله آنها آیات ذیل است: آیه اول: قوله تعالى: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ). و داراییهائتان را میان خودتان به ناروا نخورید، و (قسمتی، از آن را به عنوان رشوه یا هدیه) به حکومت گران (بیدادگر، مدهید تا با فشار آنان) بخشی از دارایی مردم را به گناه بخورید ؛ با اینکه خودتان هم می دانید که حق شما نیست. (سوره بقره / ۱۸۸). در این آیه خداوند مسلمین را بر حذر می دارد از این که دعاوی خود را به محکمه بکشانند تا بدین وسیله زمینه جهت فعل حرام که همان رشوه باشد فراهم شود. در این آیه نهی مقتضی تحریم است و آیه در مورد هر مالی که به باطل گرفته شود و از جمله " رشوه " عمومیت دارد. درباره معنای این عبارت بین مفسران دو دیدگاه کلی وجود دارد بعضی ها مثل شیخ طوسی معتقد است: مراد این است که نباید داوری و قضاوت را نزد حاکمان ظلم و جور برده تا به ناحق حکم نشود؛ اما بعضی دیگر از علما معتقدند: که نباید به حاکمان رشوه داد، که حق را باطل کنند و اموال مردم را به ناحق بخورند. (طوسی، ۱۳۸۷ ه. ق، ج ۸، ص ۱۵۰).

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «باطل»: در برابر حق است و «حکم»: داور، قاضی به کسی که میان طرفین کشمکش و درگیری حکم می کند و «تدلو»: بدهید و بیندازید. قرآن شریف درباره این آیه روی یکی دیگر از آفتهای اجتماعی انگشت می نهد و می فرماید: « لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ ». داراییهای خود را به ناروا و ستم نخورید. به اعتقاد شیخ طبرسی، آنچه آمده است هر کدام نمونه ای از خوردن مال مردم از روی ستم و بیداد است؛ « و تدلو بها إلى الحکام ». و بخشی از آن مال حرام را به عنوان رشوه یا با نام فریبنده هدیه

و پیشکش، به حاکمان ندهید. از این رو باید در انتظار کیفر سخت حرام خوارگی خویش باشید. (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۷۷). در کتاب شریف تفسیرالمیزان بعد از شرح و توضیح کلمات "أکل"، "مال"، "بین" و "باطل" و رابطه آنها با یکدیگر، درباره کلمه "إدلاء" آمده است؛ "إدلاء" که مصدر "تدلوا" است به معنای در چاه کردن دلو» برای کشیدن آب است و منظور از آن در آیه مبارک رشوه دادن به حاکمان و نیز این کنایه لطیفی است که حکم مورد نظر رشوه دهنده را به منزله آب ته چاه قلمداد کرده که به وسیله دلو رشوه، کشیده می شود. "فریق" قسمت جدا شده از چیزی است. ایشان همچنین اضافه می کند: درباره کلمه "تدلوا" از نظر ادبی دو احتمال وجود دارد: یکی آن که عطف بر "تأكلو" و مجزوم به نهی باشد. در این صورت، جمله اخیر، مستقلاً از رشوه دادن نهی می کند. احتمال دیگر آن که در محل نصب بوده و عامل نصب "أن"، مقدر باشد و "واو" بیش از آن هم برای عطف نبوده، بلکه به معنای "مع" باشد. تقدیر آن چنین می شود: "مُعْ أَنْ تُدَلُّوا"! بنابراین، همه آیه روی هم رفته، یک کلام (جمله) است که برای یک منظور بیان شده و آن نهی از این است که رشوه دهنده و رشوه گیرنده با هم سازش کنند و اموال مردم را به ناحق بخورند. (طباطبایی ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۷۱). آیه دیگری که در اثبات حرمت رشوه مورد استفاده علما قرار گرفته آیه ۴۲ سوره مبارکه مائده است که می فرماید: آیه دوم: قوله تعالى: (سَمَّاغُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ) به دروغ گوش فرا می دهند و حرام می خورند. (سوره مائده / ۴۲). سحت، که در لغت به معنی استیصال (از ریشه کندن است) در روایت نبوی به رشوه در حکم تفسیر شده است «السَّحْتُ هُوَ الرِّشْوَةُ فِي الْحَكْمِ» در روایتی علوی که محقق اردبیلی آن را «غير ظاهر الصحة و السند» و مشتمل بر معدودی از مکروهات دانسته چنین تفسیر شده «هو الرشوة في الحكم و مهر البغى و كسب الحجام و عسيب الفحل و ثمن الكلب و ثمن الخمر و ثمن الميتة و حلوان الكاهن و الاستعمال في المعصية» و در روایتی از امام صادق علیه السلام «إن السحت أنواع كثيرة فاما الرشا في الحكم فهو الكفر بالله» انواعی برای آن قائل شده است، به حکم مذمتی سخت که از آكل آن شده و از سیاق آن ظاهر می باشد به حرمت محکوم است. (شهابی، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۲) در عیون اخبار الرضا از امام رضا (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) در تفسیر آیه شریفه أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ نقل شده که فرمود: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ قَالَ هُوَ الرَّجُلُ يَقْضِي لِأَخِيهِ الْحَاجَةَ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ. آن مردی است که حاجت برادرش را برآورده می کند سپس هدیه او را



قبول می کند. (مجلسی دوم، بی تا، ج ۱۰۱، ص ۲۷۳).

مفسرین "اَكْلُوْنَ لِلسُّحْتِ" را به رشوه خواران تشبیه کرده اند. حسن بصری گوید: بنی اسرائیل چنین بوده اند هنگامی که دو نفر از آنان به نزد حاکم می آمدند یکی از آن دو در آستینش رشوه بود، که آستینش را می گشود، قاضی کلام او را شنیده و به نفع او حکم می کرد و خداوند با عزت و جلال، این آیه را فرو فرستاده برای آشنایی بیشتر با معنای آیه شریفه، به بررسی معنای "سُحْت" می پردازیم: سحت مصادیق بسیاری دارد که از جمله آنها رشوه در حکم است و سپس به آیه شریفه "فیسحتکم بعذاب" (سوره طاه، آیه ۶۱) اشاره می کند و می گوید: در این آیه "یسحتکم" به معنای "شما را هلاک می کند" است. کلمه سُحْت با اشتقاق آن چهار بار در قرآن به کار رفته است. یک بار به صورت فعل مضارع و سه بار به صورت السُّحْت، که هر سه بار در سوره مبارکه مائده آیات ۴۲، ۶۲ و ۶۳ آمده و در همه موارد بعد از اَکَل بیان شده است. از آن جایی که مال حرام با "اَکَل" همراه است و در مورد مصرف یا تحت تصرف قرار می گیرد، دانشمندان آن را به معنای حرام می دانند و با توجه به روایات فراوانی که از ائمه اطهار علیهم السلام در تفسیر این آیه شریفه به ما رسیده سحت را به معنای رشوه دانسته و یا حداقل آن را یکی از معانی و مصادیق مهم سحت ذکر می کند. (صداری، ۱۳۸۶، ص ۳۴۶). مفسران قرآن نیز در تفسیر این آیه سحت را به معنای رشوه می دانند؛ مثلاً صاحب مجمع البیان ذیل این آیه شریفه می فرماید: کلمه سحت به دو صورت قرائت شده است، السُّحْت با ضم سین و حاء که قرائت مکی، بصری و...؛ اما این سحت به معنای استیصال و هلاکت است. (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶).

بند دوم: سنت (احادیث و روایات)

دومین دلیلی که علما برای اثبات حرمت رشوه از آن یاد می کنند سنت است و به نظر می رسد یکی از مهمترین دلایل برای این امر روایاتی هستند که از پیامبر (ص) نقل شده است و بعضی از این روایات نصّ بر حرمت رشوه اند و چنان صراحت دارند که هیچ گونه احتمال خلاف در آن داده نمی شود و جای هیچ گونه شک و شبهه ای باقی نمی گذارد.

از آن جا که شیعه امام را خلف صالح پیامبر و جانشین بر حق او می دانند و بر عصمت آنها اتفاق نظر دارند، دایره سنت را گسترش داده و شامل قول و فعل و تقریر ائمه اطهار می دانند کما اینکه در اصول فقه مظفر نیز این مطلب ذکر شده است. (مظفر، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۱۰). اگر به روایاتی که در این زمینه وارد شده مراجعه کنیم درمی یابیم که آنها به



صراحت بر حرمت رشوه دلالت دارند و خود کلمه رشوه و مشتقات آن که در قرآن نیامده، در روایات فراوان ذکر شده اند و اما از نظر سنت: روایات بیشماری بر حرمت رشوه دلالت دارند.

۱- از حضرت باقر (ع) که ایشان فرمودند " انه الکفر بالله العظیم " (ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۴۱۹).

چنان که مشهود است در این خبر، کلمه کفر در خصوص رشوه وارد است و استعمال این کلمه دلالت بر عظمت و بزرگی گناه داشته و کنایه از شدت حرمت است چنان که در بعضی از گناهان این کلمه به کار رفته مثلاً آمده، کسی که تارک حج باشد، کافر از دنیا می رود و همین معنا در مورد رشوه نیز به کار رفته است.

۲- لعن رسول الله (ص) الراشی و المرتشی. این لعنت پیامبر (ص) بر رشوه دهنده و رشوه گیرنده، دلالت بر حرمت خود رشوه می کند. (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۹۶).

۳- در خبری که در حدّ استفاضه نقل شده می خوانیم: رشوه کفر به خدای بزرگ است، و یا رشوه شرک به خدای عظیم است. (منظور کفر و شرک عملی است یعنی گناهش سنگین است یا منظور شرک و کفر در افعال است که غیر خدا را هم مؤثر بدانیم و به قول قرآن در سوره یوسف: (وما یؤمن اکثرهم بالله آلا و هم مشرکون) (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۱۸).

۴- روایت اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام: «هر والی و فرمانداری (یا هر مسئولی) که خود را از حوائج مردمان پنهان کند (و خود را به آنها نشان ندهد) فردای قیامت هم خداوند خود را از حوائج و نیازهای او خواهد پوشاند. و اگر والی مالی را به عنوان هدیه (چیزی را به او بدهند مجاناً و بدون اینکه باوالی طیّ کنند که فلان کار را برای مهدی انجام دهد) بگیرد، غلول و خیانت خواهد بود. (این مال را غلول گویند چون آیدی در آن مغلوله است یعنی از اخذ آن منع شده اند.) و اگر مالی را به عنوان رشوه (چیزی را به عنوان عوض حکم و قضاوت و کار راه انداختن به والی بدهند.) چنین کاری شرک است (شرک عملی یا شرک در افعال)» (انصاری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۴).

۵- روایت مرحوم صدوق در خصال از عمار بن مروان که صحیحه هم هست: حضرت فرمود هر چیزی که از امام و رهبر مسلمین خیانت و دزدی شود (منظور چیزی از اموال غنیمتی است که بیش از آنکه امام آنها را تقسیم کند کسی از آنها مخفیانه چیزی را بردارد.) این مال، سُحت (حرام شدید و مؤکد) است. و سُحت (حرام یا اکل مال به باطل)



انواع فراوانی دارد که بخشی از آنها عبارتند از:

الف: آنچه را که از ناحیه کارهای والیان جابر و ستمگر بدست آورده شود (مثلاً برای آنان خیاطت کند کتابت و... کند و از این راه مالی به چنگ آورد).

ب: و اجور و مزدهای قاضیان (یعنی عوض و مزدی که بابت قضاوت از طرفین محاکمه دریافت می کنند).

ج: اجرت زنان فاجره و فاحشه و زناده (که از راه زنا دادن پول دریافت می کنند).

د: ثمن خمر (شراب انگور) و نبیذ (شراب خرما) البته اگر مستی آور باشد.

ه: رباخواری بعد از بینه (بینه قائم شد بر ربا بودن، پس اگر جاهل بود حرام نیست.)

انصاری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۵)

و: فأما الرشأ فی الاحکام فإن ذلک الکفر بالله العظیم برسوله، اما رشوه گرفتن در احکام و

قضاوتها، پس این کار کفر به خدای بزرگ است. (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۱۸).

۶- در روایت یوسف بن جابر می خوانیم: پیامبر خدا (ص) چند گروه را لعنت کرده است:

الف: مردی که گناه کند به خرج زنی که بر او حلال نیست. (یعنی زوجه و امه او نیست).

ب: مردی که نسبت به برادر خود (دینی یا خونی) در ناموسش خیانت کند.

ج: مردی که فقیه و مجتهد جامع الشرائط است بخاطر همین فقه، جامعه به او نیاز دارند) و

به او مراجعه می کنند در مرافعات) و او از مردمان رشوه درخواست می کند. (انصاری،

۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۱۸).

۷- روایت عمار بن مروان: « قالَ سألت أبا جعفر علیه السلام عن الغلول، فقال: كل شیء غل

من الامام فهو سحت، وأكل مال الیتیم و شبهه سحت. و السحت أنواع كثيرة: منها أجور

الفواجر، و ثمن الخمر و البئید المسکر، و الربا بعد البینه. و أما الرشأ فی الحکم فان ذلک

الکفر بالله العظیم و برسوله. » عمار بن مروان از امام باقر (ع) درباره غلول پرسید: حضرت

فرمود: « هر چیزی که خیانت به امام باشد حرام است و خوردن مال یتیم و مانند آن سحت

است و سحت یا حرام، انواع بسیاری دارد، از جمله اجرت های زناکاران و پول فروش شراب

و نبیذ و ربا بعد از آشکار شدن حکم آن است؛ اما رشوه در حکم کفر به خدا و رسولش

است. » (مجلسی دوم، بی تا، ج ۱۰۱، ص ۲۷۳).

۸- روی عن النبی صلی الله علیه و آله فی قوله تعالی "أکالون للسحت" (سوره مائده/ ۴۲).

قال: « السحت الرشوه فی الحکم. » (راوندی، ۱۳۹۹ ه. ق، ج ۲، ص ۲۶).



مفهوم این روایات این است که در همه روایات رشوه را کفر به خدا و رسولش می دانند و هم دهنده رشوه و هم گیرنده رشوه و واسطه آنها را لعنت کرده است که دلالت بر عظمت و بزرگی گناه رشوه است. که وقتی رشوه به انسان می رسد، به خاطر ارتکاب به چنین گناهی فرد از رحمت خدا دور می شود و یا مورد لعنت و نفرین او قرار می گیرد. بنابراین می توان همین امر را دلیل تحریم رشوه و در نتیجه دلیلی بر تأکید تحریم آن دانست.

بند سوم: اجماع

دلیل دیگری که فقها در اثبات حرمت رشوه به آن استناد کرده اند، اجماع فقهای امامیه و بلکه اجماع مسلمانان است اجماع در مرتبه بعد از کتاب و سنت قرار دارد اگر دلیلی از کتاب و سنت نداشتیم به سراغ اجماع می رویم برای روشن تر شدن مفهوم کلمه اجماع سراغ اصول فقه مرحوم مظفر می رویم و به ذکر تعریفی در مورد اجماع می پردازیم. اجماع: هر اتفاق نظری که قول معصوم را کشف کند یا منطبق بر قول معصوم باشد اجماع نام دارد. (مظفر ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۷۷).

شیخ اعظم انصاری نیز در مکاسب، ادعای اجماع محقق ثانی در جامع المقاصد (ج ۴، ص ۳۵) و شهید ثانی در مسالک الافهام (ج ۱۳، ص ۴۱۹) را می پذیرد و فرموده اند: «اتَّفَق المسلمون علی تحریم الرشوة علی قاضی و العامل» به اجماع مسلمین رشوه حرام است. و اهمیت چنین اجماعی بر کسی پوشیده نیست و فرموده اند: و کیف كان فحرمه الرشوة غنيّة عن الاستدلال فانّ دعوى كونها من ضروريات الدين غير بعيدة. یعنی هر تقدیر حرمت رشوه نیازی به استدلال ندارد بلکه می توان حرمت آن را از ضروریات دین شمرد. محقق ثانی (ره) در جامع المقاصد می نویسد:

«اجمع اهل الاسلام علی تحریم الرّشا فی الحکم سواء حکم بحق او باطل، للبازل او علیه»، گرفتن رشوه بر قضات به اجماع مسلمانان حرام است خواه قاضی حکم به حق صادر کند، یا باطل، بر له رشوه دهنده یا به ضرر او. (محقق، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۵، ص ۱۷۲). و در مسالک الأفهام نیز آمده است: الرشوة حرام اتَّفَق المسلمون علی تحریم الرشوة علی القاضی و العامل علی أخذها. و یأثم الدافع لها إن توصلَ بها إلى الحکم له بالباطل. و لو كان إلى حقّ لم یأثم. به اجماع مسلمین رشوه بر قاضی و عامل و کارگزاران حرام می باشد و همچنین بر گیرنده نیز حرام است و دهنده رشوه اگر به وسیله آن سبب شود که به باطل حکم کند گناهکار می باشد، ولی اگر به وسیله آن به حقش برسد گناهکار نمی باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق،



ج ۱۳، ص ۴۱۹). از بیان مطالبی که در مورد اجماع گفته شد می توان فهمید که رشوه، به اجماع مسلمین اعم از شیعه و سنی حرام است. گر چه با وجود کتاب و سنت، اجماع دلیل مستقلى نیست، خصوصاً در امر قضاء گر چه حکم بر حق باشد یا به باطل بر له باشد یا بر علیه او که در هر حال رشوه گرفتن بر او حرام مؤکد شده است.

بند چهارم: عقل

مهمترین دلیل بر حرمت رشوه عقل است و حرمت رشوه قبل از اینکه یک حکم شرعى باشد و از ناحیه شارع مقدس مورد تقبیح قرار گیرد، بین اقوام و ملل مختلف و در عرف عقل مورد تنفر بوده و آنرا زشت می پنداشتند. و این که برخی از فقها از جمله محقق کرکی (ج ۴، ۱۴۱۱، ص ۳۵) و صاحب مفتاح الکرامه (ج ۴، ص ۹۱)، صاحب جواهر (نجفی بی تا، ج ۴۰، ص ۹۱)، سید محمد کاظم یزدی (ج ۳، ص ۲) اجماع فقها و اهل اسلام را قبل از دلیل قرآن و سنت آورده اند بیان گر این نکته مهم است که عقل مستقلاً به قباح و حرمت آن حکم کرده و مرتکب آن را مستوجب کیفر می داند و نصوصی که دالّ بر حرمت رشوه است در تأکید و تأیید حکم عقل است. منظور از رشوه همان معنای عرفی است که عقل از آن می فهمند؛ چنان که محقق سبزواری معتقد است رشوه از مفاهیم عرفی و مبتنی بر بناء عقلاست (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۲۹). از این رو بعضی از فقها از جمله محقق اردبیلی در ارتباط با حرمت رشوه دلیل عقلی را قبل از دلیل نقلی ذکر می کند. «دلیله العقل و النقل کتاباً و اجماعاً من المسلمین و سنته» یعنی در علت حرمت رشوه می توان از دلیل عقل و نقل استفاده نمود که شاید دلیل عقل را به سبب اهمیتش قبل از دلیل نقلی ذکر کرده است. (مقدس اردبیلی، ج ۱، ص ۴۹) حتی به نظر بعضی از فقها حرمت رشوه از طریق عقل به این جهت که از مصادیق بارز ظلم و عدوان است، یک امر بدیهی بوده و نیاز به استدلال دیگر ندارد. (راوندی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۴۲)

ابن ادریس در سرائر می فرماید: فإذا فقدت الثلاث: الكتاب و السنّة و الإجماع، فالمعتمد فی المسائل الشرعیة عنه المحققین لباحثین عن مأخذ الشریعة، التمسک بدلیل العقل فیها. هر گاه دلیل از کتاب و سنت و اجماع در یک مسئله شرعی وجود نداشته باشد محققان به دلیل عقل تمسک می جویند. (سرائر، بی تا، ج ۱، ص ۴۶).

پر واضح است که هر صاحب فردی، با توجه به مقدمه کوتاهی که گفته شد، پرداخت کننده و گیرنده رشوه را تقبیح می کند، شاید هم بتوان گفت که حرمت دادن و گرفتن رشوه با



توجه به آثار و تبعات فردی و اجتماعی آن، از مصادیق و مستقلات عقلیه است. (مستقلات عقلیه یعنی اینکه عقل به حسن و یا قبح چیزی حکم کند و سپس حکم کند که هر چه عقل بدان حکم می کند، شرع نیز بر طبق آن حکم می کند). (مظفر، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۶۳) یعنی از مواردی است که عقل بدون کمک جستن از شرع خود به تنهایی و با توجه به اصول کلی که در اختیار دارد به قبح آن می رسد.

اما در کتاب شرح مکاسب گر چه مرحوم شیخ معترض نیستند ولی عقل هر عاقلی حکم می کند به اینکه رشوه در معنایی که ذکر شد فی الجمله قبیح است بویژه برای آخذ و گیرنده، و در این جهت تردیدی وجود ندارد. (انصاری ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲).

مرحوم صاحب جواهر (ره) به این نکته اشاره می کند و می فرماید: الرشوه التی کانت الأنفس السلیمة محبولة علی التنزه عنها. رشوه چیزی است که نفس پاک و عقل سلیم خواستار دوری از آن است. ایشان در این عبارت به فطری بودن درک زشتی رشوه اشاره می کند. (نجفی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۸).

بیدهندی در کتاب رشوه از نظر اسلام چنین می گوید: رشوه حس دشمنی و بدبینی و سنگدلی را در جوامع بشری بیدار ساخته چون رشوه خوار حقوق دیگران را تضییع می کند و مانع بزرگی در راه اجرای عدالت اجتماعی به حساب می آید و موجب می گردد تا قانون که علی القاعده باید عهده دار منافع تمامی افراد جامعه و مانع زورگویی و حق کشی قدرتمندان باشد، به نفع زورمندان که بایستی قوانین آنها را محدود کند درآید و لذا هر عاقلی عواملی را که منافع اجتماعی آنان را متزلزل می کند و به مصالح عمومی زیان وارد کند، محکوم دانسته و سعی در از بین بردن آنها را وظیفه تلقی می کند. (بیدهندی، ۱۳۷۳، ص ۴۵).

با توجه به مطالبی که از فقها در بیان حرمت رشوه با استناد عقل گفته شد همه آنها اتفاق نظر دارند که هیچ مجتهدی حکم به جواز رشوه نمی کند و همه آنها با استناد به عقل آن را حرام می دانند که بیانگر عقلی بودن حرمت آن است و عقل را به عنوان یکی از مهمترین دلایل حرمت رشوه می دانند که نباید تنها به صورت تأیید کننده احادیث و روایات مطرح نمود بلکه عقل خود به عنوان دلیل مستقل در اثبات حرمت رشوه است.

بخش پنجم: بررسی و شناخت راهکارهای پیشگیرانه از جرم رشوه

مارهای منتشر شده در خصوص میزان فساد در ایران، چه آمارهای پلیسی یا قضایی و چه



آمارهای منتشر شده از سوی سازمان های جهانی بیانگر این واقعیت تلخ است که متأسفانه کشور ما از حیث فساد مالی و به ویژه رشوه، در وضعیت تاسف باری قرار دارد؛ بنابراین همان گونه که در مقدمه کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ میلادی نیز صراحتاً بیان شده اس: «فساد دیگر یک موضوع داخلی نیست بلکه یک پدیده فراملی است که بر تمامی جوامع و اقتصادها تاثیر می گذارد و همکاری بین المللی را جهت جلوگیری و کنترل آن با اهمیت می نماید و پیشگیری و ریشه کنی فساد، وظیفه تمامی کشورها است.» به همین خاطر در کنوانسیون ها و اسناد چندجانبه نظیر کنوانسیون مبارزه با فساد میان کشورهای آمریکایی مصوب ۲۹ مارس ۱۹۹۶، کنوانسیون حقوق کیفری در مورد فساد مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۹۹ و کنوانسیون حقوق مدنی در مورد فساد مصوب ۴ نوامبر ۱۹۹۹ به ضرورت مبارزه با فساد و رشوه اشاره شده است و در کشور ما نیز راهکارهای پیشگیری و مقابله با رشوه یا راهکارهای حقوقی- قانونی است مانند جرم انگاری رشوه در بخش خصوصی، وضع قانون جامع و مانع در خصوص رشاء و ارتشاء، تشکیل شورای عالی نظارت، ارتقاء توان نیروهای قضایی و ضابطین و تشویق اشخاص به ارائه گزارش و شهادت در خصوص اطلاعات خود از روند رشوه خواری؛ و یا راهکارهای اقتصادی- اجتماعی مانند فقر زدایی، اصلاح سیستم پرداخت حقوق و دستمزد، خصوصی سازی، حکمرانی خوب، فرهنگ سازی برای مبارزه با رشوه خواری و شفافیت گسترده. برای رفع معضل فساد اداری و پدیده رشوه خواری، توجه به امور ذیل، مشکل گشا خواهد بود.

بند اول: تقویت بنیه اخلاقی و اعتقادی

بخش اعظمی از مشکلات، ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی، زاییده و معلول تربیت غلط و آموزش ناسالم است. هرگاه انسان از نظر اخلاقی و اعتقادی، تربیت سالم داشته و به این مرحله از باورمندی نائل شده باشد که اعمال کوچک و بزرگ و خوب و بد او، در دادگاه عدل الهی دقیقاً محاسبه می شود و کیفر و پاداش متناسب با آن، بلکه شدیدتر و قوی تر را به دنبال خواهد داشت، دست و پای خود را جمع خواهد کرد و هر قدر این باور و اعتقاد نسبت به احکام الهی و اسلامی و اخلاق انسانی بیشتر شود، ضریب اعتماد و اطمینان و درستکاری در بین آحاد جامعه، سیر صعودی پیدا خواهد کرد.

بند دوم: کاهش فاصله طبقاتی

بخشی از مشکلات و نارساییهای اجتماعی، مثل شیوع رشوه خواری، معلول فاصله های



طبقاتی است که در رده های مختلف اجتماع به چشم می خورد. هرگاه افراد جامعه متوجه شوند که عده ای با استفاده از پارتی بازی و رشوه دهی، مناصب دولتی را تصاحب کرده و در عرصه های اقتصادی و به دست آوردن ثروتهای بادآورده، یک شبه راه صدساله را طی کرده و به زندگیشان سر و سامان بخشیده اند، آنان به طمع می افتند و به سمت و سوی خلافتکاری و قانون ستیزی کشیده می شوند، ولی در صورتی که عدالت اجتماعی در جامعه پیاده شود، قطعاً خیلی از مشکلات و نارسایی ها، حل و فصل خواهد شد.

بند سوم: ایجاد مراکز هدایت و ارشاد ارباب رجوع

بسیاری از افراد جامعه، هنگام مراجعه به ادارات دولتی، برای رفع مشکلات و دعاوی حقوقی و غیر حقوقی شان، آشنایی کافی از قوانین و حقوق شهروندی خویش ندارند، لذا در اولین برخورد با موانع صوری، دست و پای خود را گم می کنند و دنبال افراد حرفه ای و دلال می روند و با پرداخت رشوه، تلاش می کنند هرچه سریع تر مشکل را حل و فصل نمایند. ایجاد یک نهاد در هر سازمان برای کمک فکری و ارشاد قانونی افرادی که به حقوقشان آشنایی ندارند، یکی دیگر از راههای پیشگیری از بروز معضل رشوه خواری به حساب می آید.

بند چهارم: نظارت و برخورد قاطع با متخلفین

نظارت دقیق و حساب شده بر ادارات، مدیران، کارمندان، زیر مجموعه ها و برخورد قاطع با افراد متخلف و قانون ستیز، آخرین وسیله و ابزار، برای جلوگیری از فساد اداری به حساب می آید. از این رو، مدیریت کلان جامعه باید با کنترل و نظارت، افراد سودجو و متخلف را شناسایی و از بدنه نظام اخراج کنند. هنگامی که به امام علی علیه السلام خبر می رسد که «ابن هرمه» - «که از جانب «رقاعه بن شداد» مأمور نظارت بر بازار اهواز بود- خیانت کرده و از بازاریان رشوه و باج گرفته است، آن حضرت به «رقاعه» نامه می نویسد و به او دستور می دهد: ابن هرمه را از کار برکنار کن و به اطلاع مردم برسان و او را زندانی کن و اعلام نما: هرکسی شکایتی دارد، بیاید. و ضمناً برکناری او را به تمام کارگزاران اعلام کن! سعی نما در برابر کاری که از تو خواسته ام، دچار غفلت و سستی نشوی که دچار هلاکت می شوی و به بدترین شکل تو را عزل می کنم... در هر جمعه او را از زندان بیرون بیاور! اولاً سی و پنج تازیان به او بزن، ثانیاً اعلام کن هرکسی نسبت به او شکایتی دارد، با شاهد بیاید و بعد از اثبات حق شاکی، از اموال «ابن هرمه» حق او را بده و مجدداً با خواری و ذلت او را به زندان ببر و پای او را در غل و زنجیر کن و فقط هنگام نماز او را آزاد بگذار.

نتیجه گیری

در جمع بندی پایانی مقاله حاضر باید گفت رشوه دادن و رشوه گرفتن، هر دو رفتار بسیار مذموم و خلاف قانون هستند که عده ای ناخواسته ممکن است درگیر آن شوند. به این معنی که شاید شخصی واقعا نداند که عملی که از او سر میزند مصداق رشوه دادن است یا شاید شخصی نداند کاری که انجام می دهد از نمونه های رشوه گرفتن به حساب می آید. دریافت رشوه، جرم بوده و در قوانین کیفری، برای آن، مجازات تعیین شده است. به گیرنده رشوه، مرتشی و به دهنده آن، راشی گفته می شود. از آنجا که، گسترش فرهنگ رشوه خواری، می تواند آسیب هایی، مانند ابطال حق و احیاء باطل، گسترش فعالیت های غیر قانونی، ایجاد شرایط نامطلوب اقتصادی، نارضایتی مردم و زیر سوال رفتن حکومت و قانون را در پی داشته باشد. لازم است با ثبت گزارش موارد رشوه خواری، جلوی گسترش این فرهنگ ناپهنجار، گرفته شود. به همین دلیل، سایت سازمان تعزیرات حکومتی، سامانه ای را تحت عنوان سامانه گزارش رشوه، پیش بینی نموده که می توان، جرایم مرتبط با رشوه خواری، توسط کارکنان این سازمان را از طریق آن، گزارش داد. مجمع تشخیص مصلحت نظام، در سال ۷۳، با توجه به ضرورت کنترل دولت بر مسائل اقتصادی و هماهنگی میان مراجع قیمت گذاری و توزیع کالا، رسیدگی به کلیه تخلفات مربوط به بخش دولتی و غیر دولتی را به دولت، واگذار نمود و همچنان، به همین شکل، ادامه یافت. در سال ۹۲، پس از تصویب قانون قاچاق کالا و ارز، تخلفات موضوع این قانون نیز به مسئولیت سازمان تعزیرات حکومتی، افزوده شد. یکی از تخلفاتی که توسط این سازمان مورد رسیدگی، قرار می گیرد، مفاسد مرتبط با رشوه، توسط کارکنان سازمان تعزیرات حکومتی می باشد. بر اساس ماده ۹۱ قانون مدیریت خدمات کشوری، «اخذ رشوه و سوء استفاده از مقام اداری، ممنوع می باشد. استفاده از هرگونه امتیاز، تسهیلات، حق مشاوره، هدیه و موارد مشابه، در مقابل انجام وظایف اداری و وظایف مرتبط با شغل، توسط کارمندان دستگاه های اجرایی، در تمام سطوح، از افراد حقیقی و حقوقی به جز دستگاه ذی ربط خود، تخلف محسوب می شود.» نهایتاً باید توجه داشت رشوه دادن و رشوه خواری از جمله جرایمی است که در دسته جرایم علیه آسایش عمومی قرار می گیرد چراکه رشوه دادن و رشوه خواری سبب می شود که اموری که خلاف قانون و مقررات است به وسیله رشوه انجام گیرد و یا اینکه با رشوه دادن بتوان زمان انجام کاری را عقب و جلو



کرد و در کل رشوه دادن و رشوه خواری سبب می شود توازن در جامعه بهم بخورد و نظم و آسایش عمومی مختل گردد. عمل رشوه دادن و رشوه خواری به طرق و اشکال مختلف امکان وقوع دارد و گاهی برخی از موارد که شاید تصور آن هم نداشته باشید اما از مصادیق رشوه محسوب می گردد اما آنچه حائز اهمیت است این است که جهت مجازات رشاء و مجازات ارتشاء بایستی شرایط تحقق رشوه وجود داشته باشد. از آن جایی که جرم رشوه دادن و رشوه خواری جزء جرایم کیفری است نحوه اثبات رشوه نیز ادله اثبات جرائم کیفری است.



منابع و مآخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد....

- باقری بیدهندی، ن، (۱۳۹۸)، رشوه از نظر اسلام، مؤسسه خدمات فرهنگی علوم اسلامی، چاپخانه دفتر تبلیغات، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، م، (۱۳۹۹)، ترمینولوژی حقوق، تهران، چاپ بیستم، انتشارات میزان.
- جعفری لنگرودی، م، (۱۳۹۷)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، چاپ دهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- دانایی، م، (۱۳۸۴)، قانون مدنی با آخرین اصلاحیه ها و الحاقات همراه با قانون مسئولیت مدنی، ناشر سعید نوین، قم، آئینه دانش.
- دریکنده، ح، (۱۳۸۳)، رشوه و احکام آن در فقه اسلامی، قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- زراعت، ع، (۱۳۸۵)، حقوق جزای اختصاصی تطبیقی ۳، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی تطبیق در جزای ایران، فرانسه، اردن و لبنان، چاپ اول، چاپ شمشاد، انتشارات ققنوس، تهران.
- زراعت، ع، (۱۳۸۲)، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ۲، ویرایش ۲، تهران، ققنوس.
- صادقی، ح، (۱۳۸۹)، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اموال و مالکیت، ویرایش ۳، تهران، نشر میزان.
- فیض، ع، (۱۳۷۹)، مبادی فقه و اصول، مشتمل بر بخشی از مسائل آن دو علم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- محمدی، ا، (۱۳۸۱)، قواعد فقه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، نشر میزان.
- آشتیانی، م، (۱۳۶۹ه.ق)، القضاء، چاپ اول، چاپخانه رنگین، تهران.
- انصاری، م، (۱۴۱۱)، المکاسب، مصحح محمدجواد رحمتی، سیداحمد حسینی، قم، منشورات دارالذخائر.
- انصاری، م، (۱۳۸۲)، شرح مکاسب، مؤلف علی محمدی، جلد ۲، قم، انتشارات دارالفکر.



- ابن ادریس، م، (بی تا)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، بیروت، داراتراث.
- بحرانی، ی، (۱۴۰۵ ه.ق)، الحقائق الناطرة فی الاحکام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- جابری عربلو، م، (۱۳۶۳)، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، چاپ دوم، تهران امیرکبیر.
- حر عاملی، م، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، محقق گروه پژوهش مؤسسه آل بیت (ع)، قم، مؤسسه آل بیت (ع)، چاپ اول.
- حلی، م، (۱۴۰۱)، تحقیق از عبدالحسن محمد علی بقال، چاپ سوم، قم، اسماعیلیان.
- حسینی، ع، (۱۳۷۶)، ترجمه و توضیح لمعه، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات دارالعلم، قم.
- خوانساری، م، (۱۳۸۷)، نهج الفصاحه، انتشارات انصاریان، چاپ اول، قم، چاپخانه ثامن الائمه (ع).
- خوانساری، ا، (۱۴۰۵ ه.ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مصحح، علی اکبر غفاری، جلد ۶، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران.
- راغب، ح، (۱۳۸۷)، معجم المفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه حسین خدایرست، چاپ دوم از انتشارات نوید اسلام، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
- شهید اول، م، (۱۴۰۳ ق)، الدروس الشرعیة، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
- شیخ طوسی، ا، (۱۳۸۷ ه.ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح محمدتقی شیخی، تهران، المکتبۃ المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه.
- صداری، م، (۱۳۸۶ ه.ش)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، مکتبۃ السهروردی لدراسة والنشر، المجلد الثانی الطبۃ الثانی، تهران.
- محقق حلی، (بی تا)، شرایع الاسلام، تهران، انتشارات استقلال، جلد ۳ و ۴.
- محقق کرکی، محقق ثانی، ع، (۱۴۱۱ ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد مؤسسه انتشارات آل بیت (ع)، چاپ اول، قم.
- مجلسی اول، م، (۱۴۰۶ ه.ق)، روضۃ المتقین فی شرح منلا یحضره الفقیه، مؤسسه نشر فرهنگي اسلامی کوشان پور، قم، جلد ۷.



- مجلسی دوم، م، (بی تا)، بهار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه اطهار، بیروت، مؤسسه الوفا.
- نجفی، م، (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ناشر دار احیاء التراث العربی، جلد ٢٢، بیروت، لبنان.